

رهیافتی پدیدارشناسانه از تجارت تعارضات خانوادگی دانشآموزان دختر

A phenomenological approach to the conflict between parents and female students

Mohammad Alipour

PhD student in Curriculum Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran.

Zahra Mesbah Falatooni

Master's student in Educational Psychology, Department of Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran.

Seyed Alireza Ghasemi*

Master's student in Educational Psychology, Department of Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran.

s.alirezaghasemi@birjand.ac.ir

Farokhro Jalili

Assistant Professor, Psychology Education and Counseling Department, Farhangian University, PO Box 889-14665, Tehran, Iran.

Fatemeh Javan

Master's student in General Psychology, Islamic Azad University, Birjand Branch, Iran.

محمد علی پور

دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی،
دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

زهرا مصباح فلاطونی

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه
بیرجند، بیرجند، ایران.

سید علیرضا قاسمی (نویسنده مسئول)

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه
بیرجند، بیرجند، ایران.

فرخ رو جلیلی

استادیار گروه آموزش روانشناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی
۱۴۶۵-۸۸۹، تهران، ایران.

فاطمه جوان

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد
بیرجند، ایران.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر واکاوی تجارت زیسته دانشآموزان دختر از تعارضات میان آنان و والدین بود. روش پژوهش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ انجام شد. مشارکت کنندگان در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۰ نفر از دانشآموزان دختر مقطع متوسطه اول و دوم شهرستان‌های قاین و نهمینان خراسان جنوبی بودند. در واقع داده‌های پژوهش، پس از مصاحبه با این ۱۰ نفر، به اشاع نظری رسید. داده‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها به روش هفت مرحله‌ای کلابیزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت اعتباربخشی به یافته‌ها از ملاک چهارگانه گوبا و لینکلن استفاده شد. تجارت دانشآموزان دختر در دو طبقه اصلی، شش طبقه فرعی و بیست کد طبقه بندی شد که طبقات اصلی آن شامل علل تعارضات و پیامدهای تعارض و طبقات فرعی شامل استقلال، شکاف بین نسلی، تعصبات فرهنگی و مذهبی و تبعیض‌های جنسیتی، پیامدهای عاطلفی روانی، پیامدهای تحصیلی، از داده‌ها استخراج شد. از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که علل تعارضات والد-فرزندی ناشی از مقوله ویژگی‌های نوجوانی از قبیل استقلال طلبی و رشد هویت فردی ارتباط زیاد با رسانه هاست که منجر به شکاف نسلی گشته و همچنین تعصبات فرهنگی و مذهبی علاوه بر موارد مذکور موجب تفاوت دیدگاه فرزندان با والدین و تعارض می‌گردد که تعارض و عاطلفی-روانی پیامدهای تحصیلی را به دنبال دارد.

واژه‌های کلیدی: پدیدارشناسی، تعارضات خانوادگی، آموزشی و تربیتی،
پیامدهای دانشآموزان دختر، والدین.

Abstract

The present study aimed to explore the lived experiences of female students from conflicts between them and their parents. The research method was qualitative and used a phenomenological approach in the academic year 2022-2023. The participants in this study were 10 female students from the first and second levels of secondary school in Qain and Nehbandan cities of South Khorasan using a purposive sampling method. The research data reached theoretical saturation after interviewing these 10 people. The data extracted from the interviews were analyzed using the seven-step Claise method. The four criteria of Guba and Lincoln were used to validate the findings. The experiences of female students were classified into two main categories, six subcategories, and twenty codes, the main categories of which included causes of conflicts and consequences of conflict, and the subcategories of independence, generational gap, cultural and religious prejudices, gender discrimination, emotional and psychological consequences, and educational consequences. From the research findings, it can be concluded that the causes of parent-child conflicts are due to two categories of adolescent characteristics, such as independence and the development of individual identity, excessive contact with the media, which leads to a generation gap, and cultural and religious prejudices, in addition to the aforementioned issues, cause differences in the views of children and parents and conflict, which leads to conflict and emotional-psychological educational consequences.

Keywords: Phenomenology, Family Conflicts, Education and Upbringing, Consequence, Female Students, Parents.

مقدمه

روابط خانوادگی باشیات نقش مهمی در رشد کودکان و نوجوان دارد (کیو^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). در همین راستا، والدین اولین، مهمترین و مؤثرترین افراد در زندگی هر فرد هستند؛ به گونه‌ای که عمدۀ نظریه پردازان رشدی در این باور مشترک‌اند که کیفیت رابطه تجربه شده بین هر فرد با والدینش تأثیر قابل توجهی بر شکل گیری شخصیت و سلامت روان فرزندان دارد (سعادتی و همکاران، ۱۳۹۹). روابط والد-فرزند^۲ نشان‌دهنده ابتدایی‌ترین واصلی‌ترین روابط اجتماعی انسان در گستره زندگی کودکان و نوجوانان است (جعفری ندرآبادی و همکاران، ۱۴۰۱). رابطه والد-فرزند نخستین معرف دنیای ارتباطات فرزندان و یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است (اینانلو و همکاران، ۱۴۰۱) و شامل ترکیبی از رفتارها، احساسات، انتظارات منحصر به فردی است که بین والدین و فرزندانشان وجود دارد و نقش مهمی در آسیب‌پذیر شدن یا معنطف شدن فرزندان دارد (جانسون و روگرز^۳، ۲۰۲۳) به عبارتی دیگر، رابطه والد-فرزندی رابطه‌ای دوسویه است که رفتارهای والدین، علاوه بر تأثیرات جسمی در فرزندان (قاضی و همکاران، ۱۴۰۰)، بر رشد و تحول شناختی، اجتماعی و هیجانی فرزندان تأثیر می‌گذارد و ویژگی‌ها و رفتارهای فرزندان نیز سبب فراخوانی نوع خاصی از فرزند پروری در والدین می‌شود (گانگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۲، یوسفی و همکاران، ۱۴۰۱). کیفیت رابطه والدین و فرزندان ارتباط نزدیکی با رفتارهای نوجوانان، سازگاری روانی و بهزیستی روان شناختی آن‌ها دارد (امری^۵ و همکاران، ۲۰۲۱). کیفیت بالای روابط والدین و فرزندان، با درآمیختگی، ساختار و احترام متقابل زیاد و تعارض کم، مشخص می‌شود ضمن اینکه کیفیت این روابط به خود مختاری فرزندان کمک کرده و اتکا به خود بالا، شایستگی تحصیلی و عزت‌نفس مطلوب را در آن‌ها پیش‌بینی می‌کند (زاده^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). وقتی روابط والدین با فرزندان صمیمانه و حمایت‌کننده باشد به فرزندان امکان می‌دهد تا عقاید و نقش‌های مختلف را بررسی کنند (محرابیان و همکاران، ۱۴۰۱)؛ همچنین وجود ارتباط والد-فرزند مثبت در یک خانواده با سطوح بالای حمایت روانی و صمیمیت ارتباط مثبت و با افسرده‌گی فرزندان ارتباط منفی دارد (آقامیر محمدعلی، ۱۳۹۹). در این زمینه پژوهش‌ها حکایت از رابطه مثبت و معنی‌دار میان صمیمت در خانواده و سلامت روان فرزندان دارند (دوکا^۷ و همکاران، ۲۰۲۳).

در مقابل پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که تعارض در روابط والد-فرزند مهم‌ترین پیش‌بینی کننده مشکلات رفتاری نوجوانان نیز می‌باشد (پانگ^۸ و همکاران، ۲۰۲۲). هم‌چنین بیشترین اختلافات والدین و فرزندان در دوره نوجوانی فرزند پیش می‌آید (بیزدان و همکاران، ۱۴۰۱). درک نکردن نوجوانان، باعث کشمکش و تعارض میان آنان و والدین می‌شود (مجلسی آذر و همکاران، ۱۳۹۹). تعارض می‌تواند مغایر یا مخرب باشد، گاهی تعارض با والدین می‌تواند به عنوان بخش عادی روابط خانوادگی محسوب شود و این درگیری‌ها به رشد خود مختاری و استقلال بینجامد اما تعارض زیاد با والدین که می‌تواند از منابع مختلف ایجاد شده باشد ممکن است به روند رشد سالم روان شناختی فرزندان آسیب برساند و موجب شود فرد دچار مشکلات درونی و بیرونی نظری اعتمادبه نفس پایین، مشکل در سلامت جسمانی، مشکلات تربیت و آموزشی در مدرسه و همچنین افت عملکرد تحصیلی گردد (حضری و همکاران، ۱۴۰۰)؛ لذا تعارض والد فرزندی، تعاملی است ناراحت‌کننده بین والد و فرزندی که تمایل یا توانایی گوش کردن به ناراحتی‌های یکدیگر را ندارند و رفتار آن‌ها با تشنج، خصومت و پرشاخگری همراه باشد (جیانگ و لین^۹، ۲۰۲۴). پژوهش‌ها این عدم توجه به تعاملات والد-فرزند وجود چرخه معیوب در آن، باعث ایجاد رفتارهای مخرب، مشکلات رفتاری، بزمکاری، بروز رفتارهای خلاف اجتماع، کاهش اعتمادبه نفس، کاهش عملکرد اجتماعی در فرزندان و عدم نظم و اضطراب قاطعانه، افزایش استرس و تنشیگی و ناخشنودی در والدین می‌گردد و پیامدهای مختلفی را به همراه دارد (وارسته، ۱۳۹۵). شیرالی نیا و همکاران (۱۳۹۸) نوع رابطه والد-فرزند مانند طرد کردن، کنترل مضاعف، محافظت و حمایت بسیار زیاد، باورهای غیرمنطقی والد بهویشه مادر در بروز مشکلات رفتاری دوران نوجوانی مؤثر است. هم‌چنین تحقیقات نشان داده‌اند سطوح بالای تعارض بین والدین و فرزندان با پیامدهای اجتماعی خطرآفرینی از جمله سوءصرف ماد و مصرف الکل و همچنین بحران وجودی آنها نیز ارتباط دارد (عزت پور و همکاران، ۱۳۹۹).

بررسی پیشینه موجود در خصوص تعارضات والدین حاکی از این است که تاکنون کمتر پژوهشی این تعارضات را با روش کیفی بررسی نموده است. این پژوهش با واکاوی تجارت زیسته دانشآموزان دختر از تعارضات با والدین، به دلایلی چند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تعارضات خانوادگی می‌تواند روابط والدین و فرزندان را تحت تأثیر قرار داده و منجر به مشکلات روانی مانند اضطراب و افسرده‌گی در دانشآموزان شود؛ بنابراین، شناخت این تعارضات و علل آن‌ها، به بهبود روابط خانوادگی و کاهش مشکلات روانی کمک می‌کند. همچنین، این پژوهش با فراهم‌سازی

¹ Qiu² Parent-child relationship³ Johnson & Rogers⁴ Gong⁵ Emrie⁶ Zhao⁷ Duca⁸ Pang⁹ Jiang & Lin

درک بهتر از نیازها و دیدگاه‌های دانش‌آموزان دختر به عنوان نسل آینده، زمینه‌ساز تدوین برنامه‌های تربیتی مناسب خواهد بود. استفاده از روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی در این پژوهش، به پژوهشگر امکان می‌دهد تا به عمق تجارب، دیدگاه‌ها و احساسات دانش‌آموزان دست یابد و به توصیف دقیقی از این تعارضات بپردازد. علی‌رغم وجود خلاً پژوهشی و روش‌شناختی، هاشمی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی نتیجه گرفته‌ند نوجوانان سازگار در رابطه با والدین ادراکات مشبت ببیشتری نسبت به خود گزارش کردند و همچنین نسبت به والدین و ارتباط برقرار کردن و گفتگو با آن‌ها دید مثبت‌تر و ثمربخش‌تری داشتند، در مقابل نوجوانان ناسازگار در تعامل با والدین هم خود ادراکی منفی را گزارش کردند. در پژوهش کیفی یوسفی و همکاران (۱۴۰۰)، مشخص شد پیامدهای تعارض والد-نوجوان متأثر از راهبردهایی است که آن‌ها برای حل تعارض به کار می‌برند. در پژوهش لانگ^۱ و همکاران (۲۰۲۰) مشخص شد تعارض والد-کودک به‌طور قابل توجهی با تمام اشکال عملکرد عاطفی اجتماعی کودکان مرتبط است، درحالی‌که نزدیکی والدین-کودک فقط با شایستگی کودک مرتبط بود. در تحقیق دیگری که توسط سانگ^۲ و همکاران (۲۰۲۲) انجام شد، نتایج نشان داد تعارضات و اختلافات فراوان رابطه والد-فرزنده می‌تواند پیش بین بدرفتاری و بروز علائم افسردگی در کودکان و نوجوانان باشد. لی^۳ و همکاران (۲۰۲۲) نیز نشان دادند که رابطه والد-کودک یک عامل تأثیرگذار در مشارکت یادگیری دانش‌آموزان است و موجبات رشد تربیتی و تحصیلی آن‌ها را فراهم می‌آورد.

نظر به اهمیت ارتباطات میان فردی بین والدین و فرزندان، هر پژوهشی در این حوزه بسیار پیچیده و چالش‌برانگیز است (ساعی، ۴۰۱). علت اصلی چالشی بودن مطالعه ارتباطات بین والدین و فرزندان این است که آن‌ها به دو نسل متفاوت تعلق دارند. نظر به این که تعارض میان والدین و فرزندان پیامدهای آموزشی و تربیتی و متعددی را به دنبال دارد و ممکن است بر آینده تحصیلی، اجتماعی و شغلی دانش‌آموزان دختر مؤثر باشد، پژوهش حاضر باهدف بررسی تجارب زیسته دانش‌آموزان دختری انجام‌گرفته است که در ارتباط با والدین خود دچار تعارض و اختلاف شده‌اند. بدیهی است نتایج پژوهش ضمن تبیین تعارضات و اختلافات میان والدین و دانش‌آموزان، این ضرورت را متوجه متصدیان سازمان‌های آموزشی و پژوهشی می‌کند تا در راستای کاهش حداکثری این تعارضات از طریق فرهنگ‌سازی و آموزش، اهتمام ویژه‌ای ورزند.

روش

با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه، شیوه و رویکرد پژوهش حاضر، کیفی از نوع پدیدارشناسی^۴ بود. مشارکت‌کنندگان این پژوهش ۱۰ نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول (۵ نفر) و دوم (۵ نفر) شهرستان‌های قاین (۵ نفر) و نهبندان (۵ نفر) در استان خراسان جنوبی در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند، که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند از نوع معیار، دانش‌آموزانی که ببیشترین مراجعه را از بابت اختلاف با خانواده خود به مشاور مدرسه داشتند، به عنوان جامعه و میدان پژوهش انتخاب شدند. سپس فرآیند آغاز مصاحبه بر حسب ملاک‌های ورود آغاز شده و پس از آخذ ۱۰ مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته با دانش‌آموزان مذکور، پس از مصاحبه با ۱۰ نفر اشباع نظری نیز حاصل شد. ملاک ورود به پژوهش شامل تمایل به شرکت در مصاحبه، داشتن وضعیت خانوادگی معمولی (عدم طلاق و فوت یکی از والدین)، سلامت جسمانی طبق پرونده بهداشتی دانش‌آموزان و داشتن سابقه گزارش تعارض با والدین به مشاور مدرسه بود. ملاک خروج از پژوهش نیز شامل عدم رضایت به ضبط و تحریر صحبت‌ها و عدم رغبت به شرکت در پژوهش بود. لازم به ذکر است در تمامی مراحل انجام پژوهش، از تگارش متن مقاله تا مصاحبه و گزارش نتایج، اصول اخلاق در پژوهش شامل حفظ محترمانگی و امانت داری رعایت شد. مصاحبه‌های مربوطه از طریق تعیین وقت قبلی انجام گرفت.

ابزار سنجش

ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاری‌بافت^۵ بود که این فرآیند تا اشباع نظری داده‌ها ادامه پیدا کرد. علت استفاده از مصاحبه نیمه ساختاری‌بافت نیز این بود که مصاحبه نیمه ساختاری‌بافت به دلیل انعطاف‌پذیری آن در پرسشگری و امکان پیگیری عمیق‌تر موضوعات مورداستفاده قرار گرفته است (ادویه-اولاتوند و اولنیک^۶، ۲۰۲۱). این نوع مصاحبه به پژوهشگر اجازه می‌دهد که به تجربیات و احساسات شخصی نوجوانان بیشتر توجه کند و معنای این تعارضات را از دیدگاه خود آن‌ها به‌طور کامل استخراج کند. همچنین، فضای بازتری برای مصاحبه‌شونده فراهم می‌کند تا آزادانه تجربیاتش را بیان کند. این روش به پژوهش کمک می‌کند تا جزئیات ظریف و غیرمنتظره‌ای از تعارضات خانوادگی را کشف

¹ Lang

² Song

³ Li

⁴ Shao & Kang

⁵ phenomenological method

⁶ Semi-Structured interview

⁷ Adeoye-Olatunde & Olenik

A phenomenological approach to the conflict between parents and female students

کند. مدت زمان هر مصاحبه با هر یک از دانشآموزان، ۲۰ تا ۲۵ دقیقه بود. بعد از ضبط شنیداری، تمامی فایل‌های صوتی حاصل از مصاحبه‌ها، به رشته تحریر درآورده شد و به شیوه کدگذاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این پژوهش، فرآیند تعیین و غنی‌سازی سؤالات مصاحبه با مرور پیشینه پژوهش آغاز شد، که به تدوین سؤالات اولیه بر اساس مفاهیم و تئوری‌های مرتبط با تعارضات نوجوانان با والدین انجامید. پس از طراحی، سؤالات توسط گروه پژوهشی یا کارشناسان موردبازنگری قرار گرفتند تا از وضوح و جامعیت آن‌ها اطمینان حاصل شود. همچنین در مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA-12 استفاده شد.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از راهبرد هفت مرحله‌ای کلایزی^۱ (۲۰۰۲) استفاده شد. در این راهبرد، در مرحله اول یادداشت‌برداری از مصاحبه‌ها صورت پذیرفت. در مرحله دوم اظهارات و اصلاحات مرتبط با بحث بیرون کشیده شد. در مرحله سوم، از هریک از اظهارات یک مفهوم تدوین شده که بیانگر تفکر اساسی فرد بود، استخراج شد. مرحله چهارم، پس از بررسی چندباره، خوش‌های معنایی شکل‌گرفته و ارتباط آن با مقوله‌های کلی صورت گرفت. مرحله پنجم، نتایج برای توصیف جامع از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند داده و دسته‌های کلی‌تری به وجود آمدند. مرحله ششم تقلیل سازی از یافته‌ها صورت پذیرفت، به طوری که توصیفات زائد، غیرقابل کاربرد و اغراق شده از ساختار کلی داده‌ها حذف گردید و در مرحله هفتم باهدف تأیید یافته‌ها پژوهش، با استفاده از روش بازبینی اعضا انجام گرفت (محمدپور، ۱۳۸۹). برای اطمینان از قابلیت پایایی^۲ مصاحبه‌های انجام شده در پژوهش حاضر، از روش توافق بین دو کدگذار^۳ برای استفاده شد (محمدپور، ۱۳۸۹). برای محاسبه پایایی از طریق روش توافق دو کدگذار (رزیاب) از یکی از اسنادی که بر موضوع این تحقیق اشراف داشت درخواست شد تا به عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در این پژوهش مشارکت کند؛ سپس محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد ۳ مصاحبه را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحقیق به کار می‌رود با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

$$1 \times \text{تعداد کل کدها} - \frac{\text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد توافقات}} = \text{درصد توافق درون موضوعی}$$

جدول ۱. محاسبه پایایی بین دو کدگذار

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کدها	تعداد توافقات	پایایی بین دو کدگذار (درصد)
۱.	۹	۱۸	۸	۸۸٪
۲.	۵	۲۳	۹	۷۸٪
۳.	۷	۱۲	۵	۸۳٪
جمع				۸۳٪.
				۲۲
				۵۳

همان‌طور که از جدول فوق پیداست پایایی بین دو کدگذار ۸۳ درصد گزارش شد و این مقدار از ۶۰ درصد (کوال^۴، ۱۹۹۶) بیشتر می‌باشد. از این رو؛ می‌توان گفت که ابزار اندازه گیری این پژوهش، از قابلیت اعتماد خوبی برخوردار می‌باشد. جهت ارزیابی نتایج پژوهش کیفی حاضر، از معیارهای گوبا و لینکلن^۵ (۱۹۸۵) استفاده شده است. گوبا و لینکلن از عنوان اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد^۶ برای ارزیابی نتایج پژوهش کیفی استفاده می‌کنند. قابلیت اعتماد به بیانی ساده، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آن‌ها اعتماد کرد (محمدپور، ۱۳۸۹).

یافته‌ها

در ابتدا، اطلاعات جمعیت شناختی پژوهش ارائه می‌شوند.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت شناختی پژوهش حاضر

مشارکت‌کننده	سن	قطعه تحصیلی	شغل پدر	شغل مادر
۱.	۱۳	متوسطه اول	معلم	خانه‌دار
۲.	۱۶	متوسطه دوم	آزاد	خانه‌دار

¹ Colaizzi² Reliability³ Intercoder Agreement⁴ Kvale⁵ Guba & Lincoln⁶ Trustworthiness

معلم	نظامی	متوسطه دوم	۱۸	.۳
خانهدار	نظامی	متوسطه دوم	۱۷	.۴
کارمند بانک	آزاد	متوسطه دوم	۱۸	.۵
خانهدار	آزاد	متوسطه اول	۱۲	.۶
آزاد	آزاد	متوسطه اول	۱۴	.۷
خانهدار	کارمند	متوسطه اول	۱۵	.۸
خانهدار	کارمند	متوسطه دوم	۱۷	.۹
خانهدار	معلم	متوسطه اول	۱۲	.۱۰

با توجه به هدف پژوهش، تجرب دانش آموزان دختر از تعارضات با والدینشان مورد بررسی قرار گرفت. متن مصاحبه‌ها و مضامین استخراج شده از آن در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. نمونه‌ای از مضامین فرعی استخراج شده به همراه متن مصاحبه‌ها

نمونه جملات مشارکت‌کنندگان	مضامون فرعی	مضامون اصلی	مشکلات عاطفی	نمی‌شن ...
من نامید میشم چون حس می کنم پشتمن نا امیدی	خستگی عاطفی	از حرف زدن با هاشون خسته میشم و کلافه؛	چون نمیفهمن حرف منو	پدر و مادرم زود عصبانی میشن و منم عین خودشون شدم ...
تعارضات رفتاری	پرخاشگری ناشی از والدین	کاهش صمیمیت ناشی از نظرارت افراطی	نظرارت زیاد والدین گاهی باعث میشه	صمیمیت بین مون و مسائل مهم تر از بین
تأثیرات بر تحصیل	افت تحصیلی	تا سال هفتم تحصیلم، همه چی عادی بود اما	به این سن که رسیدم و شروع هفتم، دیگه فشارهای خانواده شروع شد و من مضطرب شدم و درسم افت کرد	فریاد خانوادگی درگیر کرد
فشارهای جنسیتی و فرهنگی	محدودیت به دلیل جنسیت	درگیری ذهنی ناشی از تعارضات خانوادگی	اختلافم با مادرم و بعضی وقتا با پدرم باعث افت تحصیلی زیادی شد چون ذهنم رو خیلی درگیر کرد	«مادرم میگه کاش دختر نداشم و به جاش یه پسر داشتم ...
عدم ارتباط و صمیمیت	عدم بیان نیازها	تعصبات افراطی در مورد رفتارهای دخترانه	مدام به من گیر میدن که چرا تلفن استفاده می کنی و خیلی بلند می خنده	مادر و پدرها باید درک کنن دنیای مارو و اهداف و آرمان های مارو؛ چون دوره و نسل نمیتوینیم ارتباط برقرار کنیم ...
درک نشدن دنیای نوجوان	تفاوت نسلها			مادر و پدرها باید درک کنن دنیای مارو و اهداف و آرمان های مارو؛ چون دوره و نسل عوض شده

در تحقیق حاضر مضامین اصلی و فرعی متناسب با داده‌ها بعد از تحلیل و کدگذاری به وسیله نرم‌افزار، در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴. تجارب دانشآموزان دختر از اختلافات خانوادگی

کدهای فرعی	کدهای محوری	نم
عاطفی		
هیجانی		
رفتاری	پیامدهای عاطفی روانی	
روانی		پیامدها
افت یا پیشرفت تحصیلی		
نظارت والدین بر پیشرفت دانشآموز	پیامدهای تحصیلی	
کاهش انرژی		
خط کشی افاطی هنجارها		
ارتباط با جنس مخالف		
تعصبات افراطی و بی مورد درباره حجاب	تعصبات فرهنگی و مذهبی	
الگوبرداری از والدین		
محدویت به خاطر جنسیت		
ارجحیت فرزند پسر	تبییض جنسیتی	
عدم بیان نیازها		
پیشرفت		علل
شرط تأهل برای استقلال	استقلال طلبی	
کنترل گری بیش از حد		
عدم صمیمیت در ارتباط با فرزندان		
سطوح متفاوت سواد رسانه		
عدم درک دنیای نوجوان	شکاف بین نسلی	
تعریف وظایف دختر فقط در خانه		

نتایج تجارب زیسته دانشآموزان دختر از تعارض خانوادگی در دو تم پیامدها و علل طبقه‌بندی شد. در ادامه در خصوص هر یک از این کدهای محوری، نمونه صحبت‌ها و تحلیل کاملی ارائه می‌شود.

(الف) علل تعارض خانوادگی دانشآموز دختر

۱) عدم استقلال

طبق گفته‌های دانشآموزان، استقلال نداشتن یکی از شکایات شایع آن‌ها برای بروز اختلاف‌نظر و دلخوری از والدین می‌شود. از جمله واکنش‌ها و استدلالات والدین می‌توان به کنترل گری بیش از حد، شرط تأهل برای استقلال، جلوگیری از پیشرفت آن‌ها و محدود کردن به دلایل نامنی اجتماعی اشاره کرد. مصاحبه‌شونده‌ی شماره سه اظهار می‌کند: "پدر و مادرم اخلاق درستی ندارن و باعث پرخاشگری من می‌شون چون آدم عصی هستم در گیر می‌ششم و حاضر جوابم تا یک جهایی تحمل می‌کنم". مصاحبه شونده ده نیز گفت: "پدر و مادرم با من مثل یک زندانی با من برخورد می‌کنند و فکر می‌کنند چون دخترم نمی‌تونم مستقل باشم و آزاد باشم". مصاحبه شونده شماره هفت گفت: "هر وقت در مورد دانشگاه و آینده شما می‌زنم، باهم دعوا می‌کنند و می‌گنند نمی‌خواه برو لازم نکرده‌اند. مردم چی می‌گنند یه دختر مجرد تنها بره یه شهر دیگه حتی نمی‌زارن با خواهرم تنها برم بیرون. چه برسه با رفیقان. شرط آزاد شدم را ازدواج گذاشتند و من دوست ندارم حتی با اخلاقهای بدشون ترکشون کنم". مصاحبه‌شونده‌ی شماره ده می‌گوید "حتی نمی‌دارم با اتوبوس تا کلاس زبان برم و چون مامان بایام وقت ندارم منو بین پس نمی‌دارم برم کلاس زبان و به هدف مورد علاقم برسم".

۲) شکاف بین نسلی

تعریف نقش دختر فقط در خانه و انجام وظایف خانه‌داری، عدم درک دنیای نوجوان باعث کاهش صمیمیت در بین اعضای خانواده و درنتیجه شکاف بیشتر بین دنیای نوجوان و والدین می‌شود. مصاحبه‌شونده‌ی شماره دو اذاعن می‌کند: "من با هیچکدامشون (والدین) صحبت نمی‌کنم. تا حالا اصلا در مورد اتفاقات مدرسه باهشون صحبت نکردم". مصاحبه‌شونده‌ی شماره هفت می‌گوید: "به نظر من اختلاف سنی باعث عدم درک

دنیای نوجوان و این اختلافاتی که من با والدینم دارم نمیشه چون اونا بزرگترن و والد هستن و باید مارو درک کنن. مثلاً پدر من با همسایمون همسن هستن. همسایمون با بچه‌هاش میره تفریج؛ باهاشون بازی میکنه و بهشون اعتماد داره و میداره تنها بیرون بون ولی پدر من منو محدود داره در صورتی دخترای همسایمون نه بچه‌های بدی هستن نه تا حالا کار استیاهی کردن ولی پدر و مادرم اعتقاد دارن دختر تباید پاشو از خونه تنها بداره بیرون و اصلاً لزومی نداره بره گردش و تفریج حتی خودشونم باهام نمیان بیرون. بعدشم که میرم سمت اینستا یا با دوستام چت میکنم میگن چرا همش سرت تو گوشیه؟".

۳) تعصبات فرهنگی و مذهبی

خطکشی افراطی هنجارها، ارتباط با جنس مخالف، توجه به موضوع حجاب به طور افراطی، الگوبرداری اجباری از والدین از جمله اظهارات دانشآموزان در رابطه با مسائل فرهنگی مذهبی است. مصاحبه شونده شماره چهار می‌گوید: "روی حجاب و خندیدن بهم گیر میدن". همچنین مصاحبه شونده هشت گفت: "همش به من میگن برای چی همش می‌خندی؟ یا بلند می‌خندی؟ یا با دیگران حرف می‌زنی؟ آزادی بیان را از آدم می‌گیرن". همچنین در بخشی دیگر از صحبت‌های خود می‌گوید: "حروف زدن با پسرا رو عیب میدونن و میگن دختره حتماً یه مشکلی داره و حتی نمیدارن با پسرخاله‌های هم حرف بزنم".

۴) تبعیض جنسیتی

محدودیت به خاطر جنسیت و ارجحیت فرزند پسر موجب تفاوت دید نسبت به دختر و کاهش استقلال دختر می‌شود. مصاحبه شونده شماره پنج می‌گوید: "پسر رو فراتر از دختر میدونن کلا داداشم هر چی می‌خواه و ایش فراهمه ولی من هر چی هم بگم نمیدن. با اونکه داداشم زیاده خواهه ولی وایش شده قرض میکن و براش فراهم میکن".

ب) پیامدها تعارض خانوادگی دانش آموز دختر

۱) پیامدهای عاطفی-روانی

طبق گفته دانشآموزان نوجوان پیامدهای عاطفی و روانی متاثر از نحوه برخورد والدین با فرزندان شامل پیامدهای عاطفی، هیجانی، رفتاری، روانی است. دید سنتی نسبت به نقش دختر در خانه در بعضی از خانواده‌ها و مقایسه‌ای که از سمت نوجوان با سایر همسالان شکل می‌گیرد، باعث انزوا و گوششگیری و پیامدهای روانی مانند افسردگی می‌شود. مصاحبه شونده شماره چهار در پاسخ به سوال اوضاع روحی و روانی تو چگونه است می‌گوید: "عالیه (به طعن) و معلومه که اونا تو ش تاثیر داشتن وقتی که همش بهم گیر می‌دان". همچنین مصاحبه شونده شماره هشت می‌گوید: "مادرم برای رسیدن به رویاهم اصلاً حمایت نمیکنه و با پدرم که اصلاً حرف نمیزnam مگه اینکه مامانم یچیزی بپش بگه که باز با هم بحث کنیم"

۲) پیامدهای تحصیلی

علاوه بر پیامدهای روانی، می‌توان به پیامدهای تحصیلی اختلافات والدین با فرزندان نیز اشاره کرد که شامل افت تحصیلی، عدم نظارت والدین بر پیشرفت دانش آموز و کاهش انرژی و بی‌انگیزگی تحصیلی است. مصاحبه شونده شماره یک در این باره می‌گوید: "حصله‌ی درس خوندن ندارم". مصاحبه شونده شماره پنج می‌گوید: "والدینم پیگیر درس نیستن من خودم بهشون نمره هامو می‌گم". همچنین مصاحبه شونده شماره دو می‌گوید: "پیگیر درس نیستن ولی پیگیر اخلاقم هستند که یه وقت آبرو شونو نیرم".

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر واکاوی تجارب زیسته دانشآموزان دختر از تعارضات با والدینشان بود. تعارض زمانی ایجاد می‌شود که اعمال یک فرد با اعمال فرد مقابل تداخل داشته باشد. همچنان که دو فرد به هم نزدیک‌تر می‌شوند، پتانسیل تعارض افزایش می‌یابد در حقیقت وقتی تعامل بین افراد بیشتر شده و فعالیت‌ها و موضوعات متنوع‌تری را در بر می‌گیرد، زمینه مخالفت بیشتر می‌شود (دلگادو¹ و همکران، ۲۰۱۹). تجرب زیسته دانشآموزان دختر از تعارض خانوادگی در دو مضمون اصلی علل و پیامدها تقسیم شد. علل تعارض والدین با دانشآموزان دختر در چهار بعد طبقه‌بندی شد که طبقات اصلی شامل استقلال طلبی، شکاف بین نسلی، تعصبات فرهنگی و مذهبی و تبعیض‌های جنسیتی است. یکی از علل بروز تعارضات مسئله استقلال نوجوانان است. رست² (۲۰۰۱) تأکید می‌کند با رسیدن نوجوان به مرحله خود پیروی تعارضات آنان با بزرگسالان آغاز می‌شود. از یکسو نوجوان در تلاش برای اثبات استقلال و کارآمدی خویش کنش‌هایی مغایر با کنش‌های قبلی از خود بروز می‌دهد و از سوی دیگر بزرگسالان انتظار دارند که نوجوان از آنان پیروی کند.

در مطالعاتی که انجام شده است، بیشتر تعارضات نوجوانان و والدینشان مربوط به مسئولیت‌های خانه‌داری، تمایل نوجوان به خودنمختاری و استقلال از والدینشان است (رنک^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). نوجوان در جستجوی خودنمختاری و ایجاد هویتی مستقل برای خود است. او خود را فردی رشد یافته در نظر می‌گیرد که توانایی تصمیم‌گیری در مسائل شخصی اش را دارد؛ اما در دنیایی زندگی می‌کند که تحت کنترل بزرگ‌سالان است (هی^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). رابطه والدین و فرزند در دوران انتقال به دوره نوجوانی دستخوش تغییر قرار می‌گیرد. هدایت این تغییرات در سن نوجوانی برای والدین چالش بزرگی است؛ زیرا نوجوانان در این سن تمایل بیشتری به استقلال رفتاری و همچنین ورود به فرایندهای تصمیم‌گیری دارند. سبک فرزند پروری^۳ والدین بر میزان استقلالی که برای فرزندشان قائل‌اند بسیار تأثیرگذار است والدین با سبک فرزند پروری استبدادی با وضع قوانین خشک دستوری بهشت استقلال نوجوانان را محدود می‌نمایند. ورود ارزش‌های جدید و پذیرش آن از سوی جوانان، فرآیند رشد فردگرایی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. با افزایش فردگرایی، اهمیت رفتار دموکراتیک والدین با فرزندان دوچندان می‌گردد. در جایی که والدین در نحوه برخورد با فرزندان بیشترین انعطاف‌پذیری را داشته‌اند، از مقدار تعارض میان والدین و فرزندان کاسته شده است. به عبارتی شیوه‌های دموکراتیک‌تر والدین، اثر کاهنده در چالش‌ها و تعارض‌های خانوادگی دارد. این امر نشان می‌دهد که تغییر در شیوه‌های برخورد با فرزندان، نقش بسیار مهمی در فهم و کاهش تعارض‌ها دارد (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۰). نتایج پژوهش عارفی (۱۳۹۲) نشان داد که وضعیت اقتصادی، باورهای مذهبی والدین و جو فرهنگی خانواده‌ها در تعیین سبک‌های فرزند پروری والدین مؤثر است و همه این عوامل جزء عوامل تأثیرگذار در تربیت فرزندان محسوب می‌شوند.

یکی دیگر از عوامل اختلافات، شکاف بین نسلی ناشی از مسائلی نظیر عدم درک دنیای نوجوان امروز و نیازهای او و همچنین مقایسه او با نسل خود است؛ که با نتایج تحقیق معیدفر (۱۳۹۲) معتقد است تحولات اساسی در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که از عصر مشروطه آغاز و بعد از انقلاب اسلامی گسترش یافته موجب شکاف‌های عظیمی در جامعه گشته که شکاف نسلی یکی از مهم‌ترین این شکاف‌های است (یاضی، تاج‌الدین و شکری‌بیگی، ۱۴۰۲). اسکات و شومون (۲۰۱۰) در تحقیقی که بر روی مادران و دختران در بررسی نسل و خاطرات جمعی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که با توجه به سرعت تغییرات اجتماعی در سالیان اخیر، شاهد تغییرات ارزشی و نگرشی بین نسلها هستیم. به طور کلی نتایج تحقیق حاضر حاکی از اینست که نوجوانی دوره‌ای است با ارزش‌ها و هنجارهایی که از ارزش‌ها و هنجارهای بزرگ‌سالان متفاوت و متضاد به نظر می‌رسد و نتیجه‌ی کلی آن مبنی بر وجود شکاف نسلی بین نوجوانان و والدین، توسط تحقیقات مختلفی نیز تأیید گردیده است (رنک و همکاران، ۲۰۰۷؛ دانش و همکاران، ۱۳۹۳؛ سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۷). نتایج پژوهش بختیاری و نصیری (۱۳۹۷) نشان داد؛ میزان استفاده از نرم افزارهای هوشمند موبایلی (تلگرام و اینستاگرام) در ایجاد شکاف نسلی دختران با مادرانشان تأثیرگذار بوده است. گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی از طریق کاهش نقش نهادهای خانواده و مدرسه، موجب تغییر در نظام ارزشی جامعه و ایجاد شکاف نسلی شده است که این خود انتقال ارزشها، آموزه‌های اجتماعی و فرهنگی از نسلی به نسل دیگر را با اختلال رو به روی کند (خوئینی و فراشبندی، ۱۳۹۶). یکی از رویکردهای اساسی درباره سازوکارهای ایجاد پدیده شکاف نسلی و تعارض بینش و فرهنگ بین نسل‌ها، رویکرد مانهایم است. مانهایم معتقد است که همیشه نسل‌های جدید آغازگر خودآگاهی ریشه‌ای و متمایز نسل‌های پیشین نیستند، بلکه بر عکس، گسترش نسلی، عمدتاً در بی دورانی از تغییرات فرهنگی سریع ایجاد می‌شود. در چنین دورانی است که دسته‌های نسبتاً بزرگی از افراد به عنوان عاملان تغییر اجتماعی تند، با تفاسیر سنتی به چالش برخاسته و تفسیرهای جایگزین را مطرح می‌کنند (معیدفر، ۱۳۸۳) به نقل از یوسفی و همکاران، ۱۴۰۰. تحولات رخداده در دهه اخیر نشان می‌دهد که جوانان در جریان وسیع اطلاعات قرار گرفته‌اند و موجب پیدایش ارزش‌های نو گردیده است تا جایی که با نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید آشنا شده‌اند و به همان میزان نیز سطح انتظارات و توقعات آنان افزایش یافته است. جوانان عصر حاضر به دلیل تسلط بیشتر به زبان و فناوری رسانه‌های نوین، بیشترین مخاطبان این رسانه‌ها در دوران مدرن هستند تکنولوژی رسانه‌های نوین با آگامسازی جهانی و انتقال ارزش‌های نوین و قدرت بخشی به جوانان در شکل‌دهی به خردگر فرهنگ خویش و ساختن هویت خود بر اساس اطلاعات روزآمد (ذکائی، ۲۰۰۵؛ به نقل از سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۷) باعث افزایش اختلافات و شکاف بین نسلی می‌گردد.

تجارب دختران نشان‌دهنده آن است که برخی از این تعارضات برگرفته از تعصبات فرهنگی و مذهبی والدین است. به عنوان مثال نسلی که متعلق به دوران انقلاب اسلامی و جنگ بوده و ابیه‌های نسلی آن دوران را داشتند، با نسل دوران سازندگی و آزادسازی اقتصادی و نیز نسل کتونی که توسعه اقتصادی، فردگرایی و رفاه مادی برای آن‌ها بسیار مهم و در مقابل ارزش‌های مذهبی جایگاه کمتری دارد، فاصله‌ای بسیار دارد (ازدادارمکی و خادمی، ۱۳۸۲). به عقیده‌ی اینگلهارت، سطوح بالاتری از آموزش، اشاعه رسانه‌های جمعی و برخاستن دولت رفاه منجر به تغییر در مهم‌ترین

ارزش‌ها و تحول فرهنگی بسیار وسیعی گردیده که در جریان آن، نسل بزرگ‌سال در برابر تغییرات بیشتر مقاومت می‌کند و تغییر در میان گروه‌های جوان‌تر با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد (ابرامسون، ۱۹۹۹، به نقل از سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از عوامل تعارض دختران با والدین، تبعیض جنسیتی است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت اگرچه آمارها و شواهد از بهتر شدن وضعیت دختران وزنان و تغییر پایگاه آن‌ها حکایت دارند ولی شدت و عمق تغییراتی که به صورت واقعی و عینی در موقعیت زنان پدید آمده نسبت به تغییرات ذهنی و دیدگاه اعضاً جامعه در مورد زن، بسیار کمتر است؛ یعنی به نظر می‌رسد جایگاه زن در ذهنیت جامعه بالاتر از جایگاه واقعی زن است (راودراد، ۱۳۸۱). در کشور ما اگرچه وضعیت زنان نسبت به گذشته بهتر شده است، اما همچنان تبعیض جنسیتی با درجات مختلف در استان‌های مختلف دیده می‌شود. از جمله عواملی که مانع از تحصیل و حضور در اجتماع می‌شود نگرش‌های سنتی حاکم بر این جوامع است. در این میان، اگرچه بعضی از خانواده‌ها شرایط لازم برای تحصیل و حضور فرزندان دخترشان را در فضاهای اجتماعی فراهم می‌کنند، لیکن بعضی از آن‌ها دیدگاه کاملاً سنتی نسبت به فرزندان دختردارند و حتی نسبت به خانواده‌هایی که چنین امکاناتی را برای فرزندان دختر مهیا می‌کنند، نگاهی بدینانه دارند. این اختلافات با توجه به میزان تحصیلات، خاستگاه اجتماعی خانواده، تخصیبات مذهبی و وضعیت اجتماعی- اقتصادی خانواده‌ها متفاوت است. از جمله عواملی که مانع از تحصیل، اشتغال و حضور دختران در فضاهای اجتماعی می‌شود، نگرش‌های سنتی حاکم بر این مناطق است. در این دیدگاه وظیفه زنان را تنها خانه‌داری در نظر می‌گیرند و انتظاری بیش از یک کدبانو از آن‌ها ندارند اگرچه زنان ناخواسته در برابر این خواسته اجتماعی مجبور به تسلیم می‌شوند، اما خود می‌تواند علت بروز اختلاف باشد. بوردو مدعی است؛ نوعی علیت چرخشی در نظام نابرابری جنسیتی جوامع مدرن وجود دارد، به گونه‌ای که ساختارهای عینی اجتماعی، باورهای اجتماعی را شکل می‌دهند و افراد بر پایه این باورها به نحوی عمل می‌کنند که نظم اجتماعی جنسیتی تقویت می‌شود (هال، ۲۰۰۲، دنگ ۲۰۲۳)^۱ نیز در یافته‌های خود به این نکته تأکید می‌کند که سطوح بالاتر تسلط اجتماعی رابطه بین همنوایی مردانه و پذیرش کمتر نسبت به اصلاحات فرهنگی را نمایان می‌سازد. از یک طرف بوردو مرتباً تأکید می‌کند کسب سرمایه‌ی فرهنگی (تحصیلات) یکی از راههای مهم در تحرک طبقاتی در جامعه مدرن است و از طرف دیگر انواع سرمایه‌ها قابل تبدیل به هم‌دیگر می‌باشند؛ بنابراین برای زنانی که امکان ادامه تحصیل را نداشته باشند، کسب سرمایه‌ی فرهنگی و به تبع آن به دست آوردن انواع دیگر سرمایه، دشوار است و زنان کمتر می‌توانند روایت و برداشت خود از دنیای اجتماعی را محقق کنند و مجبورند که روایت‌های مردان را بپذیرند. تحقیقات نشان داده است که در میان زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی هر چه میزان تحصیلات پایین‌تر باشد پذیرش نقش‌های سنتی زن و ارزیابی مثبت از آن بیشتر است (ساروخانی و رفت‌جاه، ۱۳۸۳). ما در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدیم که یکی از دلایل اختلافات والدین با فرزندان دختر تبعیض جنسیتی است که البته با توجه به تنوع عقاید و بافت فرهنگی این نتیجه در گفته‌های دانش‌آموختان ساکن برخی مناطق خاص به دست آمد.

یافته‌های پژوهش نشان داد پیامدهای تعارض والد-نوجوان شامل دو بعد پیامدهای عاطفی و روانی و تحصیلی است. مطابق یافته‌های پژوهش تعارض والد-نوجوان، پیامدهای عاطفی- روانی به دنبال دارد. هرچه میزان تعارض بین والدین و نوجوان بیشتر باشد، میزان هیجانات منفی و مشکلات رفتاری در نوجوانان بیشتر می‌شود (شوژل، ۲۰۲۳). نتایج مطابق با یافته‌های تحقیق صیادی (۱۳۸۱) است که گزارش داد، بین عملکرد پایین خانواده و بروز اختلالات روانی رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش لشگری (۱۳۸۳) نیز که نشان داد بین کارایی خانواده و سلامت عمومی فرزند رابطه معناداری وجود دارد، نتیجه پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. شیبر و همکاران^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی ارتباط بین گزارش‌های والد و نوجوان از تعارض والد- نوجوان و نشانه‌های افسردگی در نمونه‌ای از نوجوانان دارای تشخیص بالینی را دریافتند که نتیجه فوق را تأیید می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که بروز اختلاف میان خانواده و دانش‌آموز دختر باعث ایجاد مشکلات در حیطه عاطفی و روانی می‌شود. زندگی خانوادگی نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی فرزندان دارد. خانواده اولین و مهم‌ترین بافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می‌سازد. وجود مشکلات رفتاری در کودک یا نوجوان با سبک فرزند پروری ارتباط دارد. هاور^۳ و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند ویژگی‌های شخصیتی والدین (میزان درونگرایی- برونگرایی، توافق پذیری، ثبات هیجانی والدین، میزان حمایت، خودکامگی و کنترل نوجوان) بر سبک فرزند پروری تأثیر دارد. مطالعات انجام شده وجود دو بعد رفتاری را در والدین مشخص نموده است: یکی بعد پذیرش- طرد و دیگری آزاد گذاشتن- محدود کردن. والدین پذیرنده در رابطه خود با فرزند، عاطفه، تأیید، گرمی و محبت نشان داده و کمتر از تنبیه بدنی استفاده می‌کنند. در حالی که والدین طردکننده با کودکان شان سرد بوده و از تنبیه بدنی نیز بیشتر استفاده می‌نمایند. لا بلا و ماستن^۴ (۲۰۱۸) دریافتند که رفتارهای مخرب خانواده‌ها از قبیل منفی بودن، فقدان گرمی و عطاوت در خانواده، سختگیری و رویارویی با خشونت به افزایش پرخاشگری و خشونت منجر

¹ deng² Schulz³ Sheeber⁴ Huver⁵ Labella & Masten

می شود؛ اما گرمی والدین، ساختار خانواده و ارزش‌های جامعه پسند به افزایش رفتارهای انطباقی و کاهش پرخاشگری منجر می‌شود. ازین‌رو توجه به نحوه‌ی تعامل والدین با فرزندان نوجوان یکی از عوامل تأثیرگذار در زمینهٔ سلامت روان نوجوانان است. پیامدهای پیشرفت دانشآموز و کاهش انرژی است. که این یافته دارای زیر مضمونی شامل افت تحصیلی، عدم نظرات والدین بر پیشرفت دانشآموز و کاهش انرژی است. نتایج این پژوهش همسو با یافته‌های قمری و همکاران (۱۳۹۳)؛ بروکویک^۱ و همکاران (۲۰۱۴) و مک‌گویی^۲ و همکاران (۲۰۰۵) است که نشان می‌دهد، پدیده‌ی تعارض والد-نوجوان با پیشرفت تحصیلی نوجوانان رابطه‌منفی دارد. مطابق با یافته پژوهش الیسون و شولتز^۳ (۲۰۰۴) نیز می‌باشد که نشان می‌دهد، اختلاف‌نظر درباره تکالیف و وظایف مدرسه، شایع‌ترین نوع تعارض در بابت تعامل والد-نوجوان است. نتایج پژوهش‌های اخیر از نقش مخرب مشارکت والدینی مهارگر در پیش‌بینی عملکرد تحصیلی نوجوانان حمایت می‌کند (بروکویک^۴ و همکاران، ۲۰۱۴). بر اساس نتایج پژوهش‌های پاکلک^۵ و همکاران (۲۰۱۳) و کارباخ^۶ و همکاران (۲۰۱۳)، فشار تحصیلی والدینی، مهار پیشرفت محور والدینی و انتقاد درباره وظایف تحصیلی نوجوانان بر عملکرد تحصیلی آن‌ها اثراتی منفی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت والدینی که از ویژگی‌های رشدی نوجوان همچون استقلال‌طلبی آگاهی ندارند ممکن است از طریق امروزنهی کردن، دستورالعمل‌های مستقیم، اصرار و تأکید بر تحصیل، کنترل‌گری و اعمال فشار در امور تحصیلی نوجوان دخالت نموده و علاوه بر مختلط نمودن رابطه‌منجر به مقاومت نوجوان و عدم توجه به تحصیل گردد که می‌تواند پیشرفت تحصیلی را به طور منفی تحت تأثیر قرار دهد. نتایج پژوهش البرزی (۱۳۸۲) نشان می‌دهد، مشارکت والدین در امور مدرسه موجب نگرش مثبت والدین نسبت به خود، مدرسه و نقش کار آموزشی در رشد و تربیت فرزندشان می‌شود. به نظر ویلیام و چاوکین (۱۹۸۹) چنانچه والدین در سطوح متفاوت مشارکت، مانند تصمیم‌گیری، کار داوطلبانه، کار با کودک در خانه و... دخالت داشته باشند، پیشرفت فرزندشان بیشتر است. درنتیجه نظرات و همکاری والدین در امر تحصیل فرزندان و بی‌تفاوت نبودن باعث پیشرفت فرزندان در تحصیل می‌گردد. فرزند پروری غیر اثربخش ممکن است به تعارض والد-نوجوان کمک کند. تعارض والد نوجوان هنگامی که والدین توسط نوجوان، بی‌توجه و غیر حمایت‌کننده در ک می‌شوند، بیشتر می‌شود (بایوقلو و اوسمتی^۷، ۲۰۰۹).

این مطالعه با مشارکت ۱۰ نفر از دانشآموزان دختر مقطع متوسطه و در بابت فرهنگی-اجتماعی استان خراسان جنوبی و به شیوه کیفی پدیدار شناختی و به صورت خود گزارشی انجام‌شده است. بدیهی است در تعیین نتایج باید دقت و احتیاط لازم لحاظ شود. پیشنهاد می‌شود؛ مطالعاتی با دانشآموزان پسر از مقاطع مختلف تحصیلی با شیوه‌های پژوهشی کمی و آمیخته و در مناطق و استان‌های دیگر نیز انجام و همچنین تعارضات والد-نوجوان از دیدگاه والدین و مشاوران هم موردنبررسی قرار گیرد.

مطابق با یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود برنامه‌ای مدون برای آموزش ویژگی‌های نوجوانان، ارتباط با نوجوانان، حل تعارض برای والدین و دانشآموزان مقطع متوسطه به صورت کلاس‌های آموزش خانواده یا کارگاه‌های آموزشی تدوین و نسبت به تألیف، چاپ و معرفی کتب در این زمینه به والدین و دانشآموزان اقدام شود. برنامه‌ریزی در هر زمینه‌ای مستلزم شناخت عناصر و عوامل پدیدآورنده و مؤلفه‌های مؤثر است. بدیهی است نتایج این پژوهش در برنامه‌ریزی جهت حل تعارضات والد-نوجوان می‌تواند مؤثر باشد.

منابع

- آزادارکی، ت.، و خادمی، ح. (۱۳۸۲). ترجیحات ارزشی دانشآموزان تهرانی. نامه پژوهش فرهنگی، ۸(۸)، ۲۸-۳. استادان طرح جامع آموزش خانواده. (۱۳۸۹). خانواده و فرزندان در دوره‌ی دبیرستان تهران. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- اعتمادی زاده، م. محمدی، ح. آریاپوران، س. (۱۴۰۱). رابطه‌ی بین تعامل والد-کودک و معلم-کودک با تفکر انتقادی دانشآموزان پایه‌ی ششم. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۱(۳)، ۱۸۷-۲۰۲. امیر حسینی، ز. (۱۳۹۰). اصول و شیوه‌های مؤثر در ارتباط والدین و فرزندان. طهران، ۴(۱۱)، ۷۷-۱۰۷.
- <https://doi.org/10.22051/jontoe.2022.31404.3046>
- ایناثلو، م. بشردوست، س. ابوالمعالی الحسینی، خ. (۱۴۰۱). ارائه الگویی پیش‌بینی اعتیاد به بازی‌های آتلاین بر اساس ویژگی‌های شخصیتی هنگراؤ و رابطه والد-فرزند با میانجی‌گری تکائشگری. خانواده درمانی کاربردی، ۳(۱)، ۲۸۵-۳۱۰. اقامیرمحمدعلی، ز. (۱۳۹۹). اثربخشی گروه درمانی تحلیل ارتباط متقابل بر تعارض والد-فرزندی مادران با طرحواره ناسازگار طرد و بریدگی. زن و مطالعات خانواده، ۱۳(۴۸)، ۲۱-۷. <https://doi.org/10.30495/jwsf.2020.1899745.1450>

- البرزی، ش. (۱۳۸۲). روش‌های نوین ارتباط والدین با مدرسه. تهران: انتشارات پژوهشکده خانواده بختیاری، آ. و نصیری، ب. (۱۳۹۷). تاثیر آموزش های نرم افزارهای هوشمند موبایلی (تلگرام و اینستاگرام) در ایجاد شکاف نسلی دختران با مادرانشان در نظام آموزش عالی ایران. پژوهش در نظامهای آموزشی ۱۲، (ویژهنامه)، ۹۶۷-۹۵۱.
https://www.jiera.ir/article_65035.html
- جعفری ندرآبادی، م.، باقری، ف.، قربان جهرمی، ر. (۱۴۰۱). نقش واسطه ای عزت نفس در رابطه ارتباط والد-فرزند و سبک زندگی تحصیلی سلامت محور. آموزش پرستاری، ۱۱، (۱۱)، ۹۲-۷۹.
<http://dx.doi.org/10.22034/jne.11.1.79>
- حضری، م.، محمودپور، ع.، وحدانی، م. (۱۴۰۰). پیدارشناسی مدیریت تعارضات والد-فرزند در دوران شیوع ویروس کرونا. رویش روان شناسی، ۱۰، (۷)، ۶۷-۶۲.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1400.10.7.6.8>
- خوشخام، ن.، گلزاری، م. (۱۳۸۹). اثر بخشی آموزش افزایش عاطفه مثبت بر میزان رضایت زناشویی و سبک دلبستگی در دانشجویان متاهل. مطالعات روانشناسی، ۳، (۳)، ۵۰-۲۹.
<https://doi.org/10.22051/psy.2011.1541>
- خوئینی، م.، فراشبندی، ر. (۱۳۹۶). شبکه‌های اجتماعی و شکاف بین نسلی «مجموعه مقالات اولین دوره همایش ملی آسیب شناسی و آسیب زدایی پدیده شکاف بین نسلی (زمینه‌ها، چالشها، و راهکارها).
- دانش، پ.، ذاکری نصرآبادی، ز.، سادات عبداللهی، ع. (۱۴۰۳). تحلیل جامعه شناختی شکاف نسلی در ایران. جامعه پژوهی فرهنگی، ۳، (۳)، ۲۶-۳۸.
- راودراد، ا. (۱۳۸۱). مقایسه نقش محقق و مورد انتظار زنان تهرانی. معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.
- ساروخانی، ب.، رفعت جاه، م. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر در بازنمودی هویت اجتماعی زنان تهران دانشکده علوم اجتماعی. زن در توسعه و سیاست، ۱۲، (۱)، ۷۱-۹۱.
https://journals.ut.ac.ir/article_13273.html
- ساعی، م. (۱۴۰۱). الگوهای ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان در خانواده (تحلیل تجربه فرزندان در خانواده های تهرانی). فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۵۸، (۵۸)، ۳۲۸-۳۹۷.
<https://doi.org/10.22083/jccs.2021.264538.3255>
- سعادتی، ن.، یوسفی، ز.، گل پرور، م. (۱۳۹۹). اثربخشی برنامه آموزش والدین به شیوه استپ (STEP) بر کیفیت روابط والد-فرزندی، خودکارآمدی والدگری و انعطاف‌پذیری شناختی مادران نوجوانان. مجله علوم روانشناسی، ۱۹، (۹۴)، ۱۳۳۰-۱۳۱۹.
- شهرزاد، م.، پریان ل.، نیازی، م.، خواجه نوری، ب.، صادقی ده چشممه، س. (۱۳۹۸). مطالعه‌ی کیفی تجزیه شکاف نسلی (نمونه مورد مطالعه: دختران شهر کرمانشاه).
- فصلنامه زن و جامعه، ۱۰، (۳۷)، ۱-۲۸۰. سهیل زاده، م.، پریان ل.، نیازی، م.، خواجه نوری، ب.، صادقی ده چشممه، س. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای استرس فرزندپروری، کیفیت رابطه مادر-کودک و سلامت روان مادر در رابطه بین فرزندپروری ذهن آگاهانه و مشکلات رفتاری کودکان. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۳۵-۱۴۶.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1398.10.37.1.0.280>
- شیرالی نیا، خ.، ایزدی، م.، اسلامی، خ. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای استرس فرزندپروری، کیفیت رابطه مادر-کودک و سلامت روان مادر در رابطه بین فرزندپروری ذهن آگاهانه و مشکلات رفتاری کودکان. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۳۵-۱۴۶.
https://qccpc.atu.ac.ir/article_9669.html
- صیادی، ع. (۱۳۸۱). بررسی اثرات متقابل کارایی خانواده در بروز مشکلات روانی نوجوانان دختر و پسر پایه سوم متوسطه شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عارفی، م. (۱۳۹۲). عوامل تاثیر گذار بر شکل گیری سبک های فرزند پروری در خانواده های شهرستان اندیمشک. پایان نامه ارشد رشته آموزش بزرگسالان، دانشگاه شهید بهشتی
- عزت‌بور، ع.، رضائی، ر.، رحمانی، س.، دلخوش، و. (۱۳۹۹). نقش تعارض والد-نوجوان و حمایت اجتماعی در پیش‌بینی بحران وجودی دانش‌آموزان. مجله روانشناسی و روانپردازی شناخت، ۷، (۲)، ۶۳-۵۳.
- قاضی، م.، باقری، ف.، قربان جهرمی، ر.، ابوالمعالی حسینی، خ. (۱۴۰۰). الگوهای ساختاری رابطه بین ارتباط والد-فرزند و سبک‌های تصمیم‌گیری با میانجیگری تنظیم شناختی هیجان. روان پرستاری، ۹، (۵)، ۴۹-۶۲.
<http://ijpn.ir/article-1-1825-fa.html>
- قرمزی، م.، امیری مجذ، م.، خوشنام، ا. (۱۳۹۳). رابطه عملکرد خانواده و تعارض والد-نوجوان با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع راهنمایی. آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)، ۷، (۲۸)، ۵۱-۶۲.
- کفایت، م. (۱۳۷۳). بررسی ارتباط شیوه های و تغیرش شیوه های فرزند پروری با خلاقیت و بررسی رابطه خلاقیت با هوش و پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- لشگری، م. (۱۳۸۳). رابطه بین کارایی خانواده و سلامت عمومی فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مجلسی آذر، م.، غفاری، خ.، ناطقی، ف. (۱۳۹۹). اثربخشی الگوی تربیتی والدین مبتنی بر مهارت گفتگو در افزایش همدلی و ادراک رابطه والد-فرزند (کاهش شکاف بین نسلی) در دانش آموزان مقطع متوسطه مدارس دولتی ناحیه (۱) شهرستان ارومیه. مجله دانشکده پژوهشی دانشگاه علوم پژوهشی مشهد، ۶۳، (۶)، ۲۲۲۳-۲۲۲۱.
<https://doi.org/10.22038/mjms.2021.18499>
- محرابیان، بهروز؛ دوکانه ای فرد، فریده؛ فتاحی اندبیل، اعظم. (۱۴۰۱). اثربخشی بسته توانمندسازی روان‌شناسی والدین بر عواطف مثبت و منفی نوجوانان با تعامل والد-فرزندی ناکارآمد. روانشناسی افراد استثنایی، ۱۲، (۴۷)، ۹۵-۱۹۴.
https://jpe.atu.ac.ir/article_15239.html
- محمدپور، ا. (۱۳۸۹). ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۷، (۴۸)، ۷۳-۱۰۷.
- وارسته، م. (۱۳۹۵). اثربخشی برنامه والدگری مثبت بر تنیدگی، پذیرش و طرد والدینی، کیفیت تعامل والد-کودک و سبک‌های والدگری مادران کودکان دبستان شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.
- یزدان، ک.، خسروی، ص.، چین آوه، م. (۱۴۰۱). پیش‌بینی رفتارهای خودجرحی براساس رابطه والد-فرزند و تنظیم هیجانی در نوجوانان. دوفصلنامه مطالعات روانشناسی نوجوان و جوان، ۳، (۲)، ۲۲۷-۲۳۸.
- <https://doi.org/10.61838/kman.jays.3.2.17.238-227>

A phenomenological approach to the conflict between parents and female students

یوسفی، ط., فلاح، م., وزیری، س., افشاری، ع. (۱۴۰۰). مطالعه کیفی: تبیین پیامد تعارض والد-نوجوان از دیدگاه والدین در شهر بزد. *محله مطالعات ناتوانی*, ۱۱، ۱۰۴-۱۰۵.
<http://dx.doi.org/10.29252/mejds.0.0.170.۹۵>

یوسفی، ع., حمیدی، ف., فکوری حاجی‌یار، ح. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر رابطه والد-فرزنده و حضانت توافقی فرزندان در والدین متقاضی طلاق سازش‌نایافته. *نشریه پژوهش‌توابخشی در پرستاری*, ۱۹(۱)، ۷۵-۸۴.
<http://dx.doi.org/https://doi.org/10.22034/IJRN.9.1.75.۸۴-۷۵>

Adeoye-Olatunde, O. A., & Olenik, N. L. (2021). Research and scholarly methods: Semi-structured interviews. *Journal of the american college of clinical pharmacy*, 4(10), 1358-1367. <https://acpjournals.onlinelibrary.wiley.com/journal/25749870>

Allison, B. N., & Schultz, J. B. (2004). Parentadolescent conflict in early adolescence. *Adolescence*, 39, 101-119. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/15230069/>
 Bayoglu, A. S., & Ozmete, E. (2009). parent-young adult conflict:A measurement on frequency and intensity of conflict issues. *The Journal of International Social Research*, 2, 313-322.

Brkovic, I., Kerestes, G., & Levpušček, M. P. (2014). Trajectories of change and relationship between parent adolescent school-related conflict and academic achievement in early adolescence. *Journal of Early Adolescence*, 34(6), 792-815. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0272431613503213>

Chia, D. X. Y., Ng, C. W. L., Kandasami, G., Seow, M. Y. L., Choo, C. C., Chew, P. K. H., Lee, C., & Zhang, M. W. B. (2020). Prevalence of Internet Addiction and Gaming Disorders in Southeast Asia: A Meta-Analysis. *International journal of environmental research and public health*, 17(7), 2582-2598. <https://doi.org/10.3390/ijerph17072582>

Delgado, M. Y., Nair, R. L., Updegraff, K. A., & Umaña-Taylor, A. J. (2019). Discrimination, Parent-Adolescent Conflict, and Peer Intimacy: Examining Risk and Resilience in Mexican-Origin Youths' Adjustment Trajectories. *Child development*, 90(3), 894-910. <https://doi.org/10.1111/cdev.12969>

Deng, M. E., Nicol, A. A. M., & Ralph, C. S. (2023). Masculine Conformity and Social Dominance's Relation With Organizational Culture Change. *Armed Forces & Society*, 50(3), 1-18. <https://doi.org/10.1177/0095327X23117852>

Duca, D., Ursu, A., Bogdan, I., & Rusu, P. P. (2023). Emotions and emotion regulation in family relationships. *Revista Romaneasca Pentru Educatie Multidimensionala*, 15(2), 114-131. <https://doi.org/10.18662/rem/15.2.724>

Gong, J., Zhou, Y., Wang, Y., Liang, Z., Hao, J., Su, L., ... & Wang, Y. (2022). How parental smartphone addiction affects adolescent smartphone addiction: The effect of the parent-child relationship and parental bonding. *Journal of Affective Disorders*, 30(7), 271-277. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2022.04.014>

He, E., Ye, X., & Zhang, W. (2023). The effect of parenting styles on adolescent bullying behaviours in china: the mechanism of interpersonal intelligence and intrapersonal intelligence. *Helylon*, 9(4), e15299. <https://doi.org/10.1016/j.helyon.2023.e15299>

Hull, K.E. (2002). Review of masculine domination. *social force*, 81(1), 351-352. <https://doi.org/10.1353/sof.2002.0048>

Huver, R., Otten, R., Vries, H., & Rutger, C. (2010). Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal Of Adolescent*, 33, 395- 402. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2009.07.012>

Imrie, S., Zadeh, S., Wylie, K., & Golombok, S. (2021). Children with trans parents: Parent-child relationship quality and psychological well-being. *Parenting*, 21(3), 185-215. <https://doi.org/10.1080/2F15295192.2020.1792194>

Jiang, Y., & Lin, X. (2024). Maternal Intergenerational Transmission of Child Maltreatment and Emotion Dysregulation in Chinese Children with Oppositional Defiant Disorder. *The Family Journal*, 32(3), 18-28. <https://doi.org/10.1177/10664807241256133>

Johnson, A. and Rogers, M. (2023). Strengthening and supporting parent-child relationships through digital technology: benefits and challenges. *Family Relations*, 73(3), 1550-1567. <https://doi.org/10.1111/fare.12960>

Karbach, J., Gottschling, J., Spengler, M., Hegewald, K., & Spinath, F. M. (2013). Parental involvement and general cognitive ability as predictors of domain-specific academic achievement in early adolescence. *Learning and Instruction*, 23, 43-51. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.learninstruc.2012.09.004>

Labella, M. H., & Masten, A. S. (2018). Family influences on the development of aggression and violence. *Curr Opin Psychol*. 19, 11-6. <https://doi.org/10.1016/j.copsych.2017.03.028>

Lang, S. N., Jeon, L., Schoppe-Sullivan, S. J., & Wells, M. B. (2020). Associations between parent-teacher cocaring relationships, parent-child relationships, and young children's social emotional development. *Child & Youth Care Forum*, 49, 623-646. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10566-020-09545-6>

Li, W., Tan, F., Zhou, Z., Xue, Y., Gu, C., & Xu, X. (2022). Parents' Response to Children's Performance and Children's Self-Esteem: Parent-Child Relationship and Friendship Quality as Mediators. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(10), 6012-6022. <https://doi.org/10.3390/2Fijerph19106012>

Luthar, S. S., & Cicchetti, D., & Becker, B. (2000). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child Development*, 71, 543-562. <https://doi.org/10.1111%2F1467-8624.00164>

McGue, M., Elkins, I., Walden, B., & Iacono, W. G. (2005). Perceptions of the parent-adolescent relationship: A longitudinal investigation. *Developmental Psychology*, 41(6), 971-984. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0012-1649.41.6.971>

Pang, Bizhao., Low, Kin Huat., Lv, Chen. (2022). Adaptive conflict resolution for multi-UAV 4D routes optimization using stochastic fractal search algorithm. *Transportation Research Part C: Emerging Technologies*, 139, 10-36. <https://doi.org/10.1016/j.trc.2022.103666>

Puklek Levpušček, M., Zupančič, M., & Sočan, G. (2013). Predicting achievement in mathematics in adolescent students: The role of individual and social factors. *Journal of Early Adolescence*, 33(4), 523-551. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0272431612450949>

Qiu, C., Li, R., Luo, H., Li, S., & Nie, Y. (2022). Parent-child relationship and smartphone addiction among Chinese adolescents: A longitudinal moderated mediation model. *Addictive Behaviors*, 130, 107304. <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2022.107304>

Renk, K., Liljequist, L., Simpson, J.E., & Phares, V. (2007). Gender and age differences in the topics of parent adolescent

Rest, R. (2001). Cognitive Approach to Child Development . Boston: Wadsworth.

Schoorl, J., Van Rijn, S., De Wied, M., Van Gozen, S., & Swaab H. (2017). Neurobiological stress responses predict aggression in boys with oppositional defiant disorder/conduct disorder: a 1-year follow-up intervention study. *Eur Child Adolesc Psychiatry*, 26(7), 805-813. <https://doi.org/10.1007/s00787-017-0950-x>

Schulz, S., Nelemans, S. A., Hadiwijaya, H., Klimstra, T. A., Crockett, E., Branje, S., ... & Meeus, W. (2022). The future is present in the past: a meta-analysis on the longitudinal associations of parent-adolescent relationships with peer and romantic relationships. *Child Development*, 94(1), 7-27. <https://doi.org/10.1111/cdev.13849>

Scott J and Schuman, H. (2010). Generation and Collective Memories: American. *Sociological Review*: V. 54.

Sheeber, L. B., Davis, B., Leve, C., Hops, H., & Tildesley, E. (2007). Adolescents' investigations of emotional security as an explanatory mechanism. *Child Development*, 77, 132-152 Shao, Y., & Kang, S. (2022). The link between parent-child relationship and learning engagement among adolescents: The chain mediating roles of learning motivation and academic self-efficacy. *In Frontiers in Education*, 7, 144-154. <https://doi.org/10.3389/feduc.2022.854549>

Song, L., Fang, P., Jiang, Z., Li, S., Song, X., & Wan, Y. (2022). Mediating effects of parent-child relationship on the association between childhood maltreatment and depressive symptoms among adolescents. *Child Abuse & Neglect*, 131, 105408. <https://doi.org/10.1016/j.chab.2021.105408>

Zhao, F., Liu, M., & Li, S. (2020). Paternal coparenting behavior and adolescent prosocial behaviors: Roles of parent-child attachment, peer attachment, and gender. *Children and Youth Services Review*, 338, 323-329. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2020.105629>